

نقد کتاب ارتباط‌شناسی

مصطفی همدانی*

چکیده

کتاب *ارتباط‌شناسی* تألیف جناب آقای دکتر محسنیان‌راد از کتاب‌های مغتنم است که مشتمل بر اهم نظریات علم ارتباطات، تعریفی نو از ارتباط و نیز تبیین مدلی جدید از ایشان در این علم است. این کتاب ارزشمند، سال‌هاست در دانشگاه‌های کشور مورد استفاده استادان و دانشجویان و منبع آزمون‌های تحصیلات تکمیلی در رشته ارتباطات است؛ اما نقایص صوری، ساختاری و محتوایی متعددی در آن وجود دارد که این نوشتار با هدف اصلاح این موارد سامان یافته است. این پژوهش با شیوه تحلیلی-اسنادی در سه محور اصلی یعنی نقد صوری، ساختاری و محتوایی انجام شده است.

نتایج این تحقیق در نقد صوری، مشخص نمودن ده‌ها اشکال ویرایشی و املائی و در نقد ساختاری، آشکار نمودن ضعف تنظیم و بخش‌بندی منطقی مطالب خصوصاً با تأکید بر فرایند منطقی نظریه «تقسیم» است. در نقد محتوایی، بیش از بیست انتقاد ارائه شده که مهم‌ترین آن‌ها، در سه محور است: اشکال روش‌شناختی در برخی آزمایش‌های تجربی انجام شده در کتاب که نشان می‌دهد اولاً تحقیقات گسترده‌ای ایشان در این مباحث اصلاً آزمایش نیست و پیمایش است و ثانیاً مؤلف محترم، بسیاری از شاخص‌های پیمایش صحیح را نیز به کار نگرفته است. انتقاد از ضعف سه تحلیلی در فرایند تعریف ارتباط از سوی مؤلف و انتقاد از ضعف مدل در مقوله ارتباط انسان با خود، کم‌رنگی آشکار این ساحت بنیادین ارتباطات در کتاب است.

کلیدواژه‌ها

ارتباطات، نقد کتاب، ارتباط‌شناسی، مهدی محسنیان‌راد

* دانش‌آموخته سطح خارج فقه و فلسفه حوزه علمیه - استاد حوزه علمیه قم (ma13577ma@gmail.com)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۱۸

مقدمه

این نوشتار در راستای نقد و بررسی کتاب محققانه *ارتباط‌شناسی* تألیف استاد محترم دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) جناب آقای دکتر مهدی محسنیان‌راد شکل گرفته است تا با سهمی شدن در ارتقای این اثر مهم، خدمتی به این حوزه علمی انجام گیرد. جناب آقای دکتر محسنیان‌راد، استاد و محقق علوم ارتباطات است و سال‌ها به تعلم از استادان نامدار ارتباطات و سپس تعلیم و تربیت شاگردان و پژوهش‌های نظری و میدانی در علوم ارتباطات اشتغال داشته است. کتاب *ارتباط‌شناسی* ریشه در تألیفی دارد که پیش از انقلاب اسلامی به وسیله مؤلف محترم انجام شده و با حمایت استاد ایشان مرحوم دکتر کاظم معتمدنژاد در قالب متن درسی در دانشکده‌های تهران تدریس می‌شده است (محسنیان‌راد، ۱۳۸۱). از آن نوزاده تا رسیدن به این کتاب قطور، سال‌ها فکر و ذهن و وقت مؤلف محترم به کار گرفته شده و برای رسیدن به این نقطه، بسا ماه‌ها تدریس و دیگر فعالیت‌های ایشان را به تعطیلی کشانده و وی را صمیمانه در پای کار تحقیق و پژوهش نشانده است (قاضی‌زاده، ۱۳۸۱).

ارتباط‌شناسی در شکل کنونی، برای اولین بار در سال ۱۳۶۹ چاپ شد و تا سال ۱۳۹۴ به چاپ پانزدهم رسید. این اثر که سال‌ها منبع درسی برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی در رشته‌های علوم ارتباطات بوده و هست، دارای برخی کاستی‌هاست. پاره‌ای نیازهای نگارشی و ویرایشی، ساختاری و منطقی و مهم‌تر از همه، برخی انتقادات محتوایی، این جانب را واداشته است که فرصت مشارکت در راستای ارتقای این اثر خواندنی و ماندنی را برای خود غنیمت بشمرم و مطالبی را در محورهای مذکور به جامعه علمی و مؤلف محترم تقدیم نمایم. در پایان مقدمه از اینکه به علت فقدان مجال نتوانستم بیش از این مختصر، محاسن این کتاب ارجمند را که مقتضای آداب نقد است در مقاله درج کنم، پوزش می‌طلبم و سال‌ها تلاش علمی و تدریس و تحقیق، ترجمه و تعلیم زبانی و قلمی ایشان را در حوزه مباحث ارتباط‌شناسی ارج می‌نهم.

سخن آخر اینکه این قلم تنها به ایراد اشکالات دست نزده، بلکه در هر مورد که توانسته، پیشنهادهای جایگزین را ارائه کرده است.

معرفی مهم‌ترین بخش‌های کتاب *ارتباط‌شناسی*

نسخه مورد استفاده در این بررسی انتقادی، نسخه مربوط به چاپ چهاردهم از کتاب *ارتباط‌شناسی* است که در سال ۱۳۹۳ به وسیله انتشارات سروش منتشر شده است و با چاپ پانزدهم در سال ۱۳۹۴ کمترین تغییری ندارد؛ بلکه از چاپ هشتم که مؤلف یک مقدمه بر کتاب افزوده‌اند، این تألیف تغییری نکرده است. بخش‌های اصلی این نسخه در حدی که هم

معرفی کتاب باشد و هم نیازهای ارجاعی این مقاله (خصوصاً در نقد ساختاری) را تأمین کند، در جدول ۱ معرفی شده است. این جدول، عیناً از فهرست کتاب برگرفته شده است.

جدول ۱ فصل‌بندی کتاب ارتباط‌شناسی و بخش‌های اصلی آن (محسنیان‌راد، ۱۳۹۳)

مقدمات	مقدمه چاپ هشتم مقدمه چاپ هفتم مقدمه چاپ ششم مقدمه چاپ پنجم مقدمه چاپ چهارم مقدمه چاپ سوم مقدمه چاپ دوم مقدمه برخی توضیحات لازم مقدمه پرفسور مولانا مقدمه دکتر معتمدنژاد	نگاهی عمومی به ارتباطات	۱. ارتباط چیست؟ نگاهی به تعاریف ارتباط تجزیه و تحلیل تعاریف ارتباطات تعریف پیشنهادی برای ارتباطات ارتباط جمعی ۲. شناخت فراگرد	بخش دوم: معنا در ارتباطات	۱. معنا در ارتباطات انسان با انسان نظریات دیوید برلو درباره معنا ۲. چگونه معنا را یاد می‌گیریم؟ ۳. معنا در کجاست؟
پیام‌های کلامی	۱. پیام عناصر و ساخت کدها (رمزها) و نشانه‌ها در پیام ... محتوای پیام نحوه ارائه پیام ترکیب کدها، محتوا و نحوه ارائه	پیام‌های غیر کلامی	۱. ارتباطات غیر کلامی تفاوت ارتباط کلامی و غیر کلامی ۲. تجزیه ارتباط غیر کلامی در ایران	بخش پنجم: پیشنهاد مدلی برای ارتباطات انسان با انسان	۱. مدل ارتباطی منبع معنا منبع معنا و درجه معنا رابطه رمز و نشانه با معنا ... مدل منبع معنا در ارتباط فرد با فرد مدل منبع معنا در ارتباط گروهی مدل منبع معنا در ارتباط جمعی فیلترها یا دروازه‌بانان پیام پیشنهاد دسته‌بندی ارتباطات انسانی

ادامه جدول ۱

<p>۱. ارتباطات انسان با حیوان ۲. ارتباط انسان با ماشین</p>	<p>گونه‌های دیگر ارتباطات انسانی</p>	<p>۱. ایران در سه کهکشان مک لوهان کهکشان شفاهی اقامتی کوتاه در کهکشان گوتبرگ پروازی سریع به کهکشان مارکنی ۲. تحول وسایل ارتباطی</p>	<p>سیر تحول ارتباطات انسان با انسان</p>	<p>پیش مدل ارسطو مدل گونه هارولد لاسول ...</p>	<p>سایر مدل‌های فرایند ارتباط</p>
--	--------------------------------------	---	---	--	-----------------------------------

پیشینه تحقیق

مرور ادبیات این حوزه خاص نشان داده است که در نقد این کتاب، تحقیقی ویژه انجام نشده است، اما یک اثر در حوزه تبلیغ، به شکلی کوتاه به نقد کارکرد مدل ارتباط‌شناختی مؤلف (که بخشی از این کتاب است) پرداخته و آن را فقط گوشه‌ای از مدل اسلامی تبلیغات دانسته است (کاویانی، ۱۳۸۸: ۳۶۸).

نوع و روش تحقیق

روش به کار رفته در این مقاله، روش اسنادی است. روش اسنادی، روشی است که از آغاز تا انتها بر مطالعه کتب و اسناد و نرم‌افزارهای حاوی متون علمی مبتنی است و با ابزارهایی مانند فیش و جدول و فرم و غیره به کمک استدلال عقلی به بررسی متون برای دست یافتن به پاسخ سؤال می‌پردازد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۶۴-۱۷۲).

نقد صوری

از آنجا که این نقد تنها به بیان اشکالات اختصاص دارد و فرصت کمی برای بیان محاسن کتاب دارد، حوزه‌های نقد صوری در این تحقیق نیز نه عیناً بر اساس اصول نقد صوری، بلکه بر اساس نیاز این تحقیق ارائه خواهد شد. محورهای نقد صوری کتاب عبارت است از:

اشتباهات املائی و انشایی در کتاب ارتباط‌شناسی

اشتباهات املائی و انشایی این کتاب گرچه در مقایسه با حجم کتاب اندک است، این

اندازه که در این مقاله به آن‌ها پرداخته می‌شود نیز در شأن کتاب نیست و شایسته است، اصلاح شود. این اشتباهات در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲ اشتباه‌های املائی و انشایی کتاب ارتباط‌شناسی و تصحیح آن‌ها

ردیف	اشتباه	آدرس (صفحه و سطر)	صحیح
۱	سکوت دیگر مربوط به هنگامی است که جامی - کاخش ر ساخته و ساکن آن‌جا شده و حالا بری ینکه ز آنجا بیرونش نکنند، باید در حفظ سرر بکوشد.	مقدمه چاپ هفتم، صفحه یکی به آخر	اغلاط متعدد در این سطر وجود دارد که آن را به کلی نامفهوم کرده است.
۲	ضعیف	ص ۱۴۸، سطر ۸	ضعیف
۳	شبهه به همان روال کلاسیک طراحی شدن است	ص ۱۶۴، سطر آخر	شبهه ... شده است
۴	ز. پاسخ باطنی و درونی ...	ص ۱۶۹، سطر ۴	«ز» در اول جمله زائد است
۵	ایکون	ص ۱۹۲، سطر ۹ تا آخر	آیکون
۶	مردان	ص ۳۰۴ سطر ۷	مردان
۷	به مشابه همان باراندازها بدانیم	ص ۴۰۹ سطر ۶	به مثابه همان باراندازها بدانیم. در سطر ۲ ص ۴۱۱، تعبیر «به مثابه بارانداز» درست درج شده است.
۸	ارائه داده است	ص ۴۲۳ سطر ۴	ارائه داده است
۹	تجربیات	ص ۴۳۹ سطر ۴	تجربیات
۱۰	انتزاعی	ص ۴۴۰، سطر ۱۹	انتزاعی
۱۱	آقای P _۱ این پیام را (C _{BEHV})	ص ۴۴۳، سطر ۱۱	اندیس را نادرست نوشته‌اند: آقای P _۱ این پیام را (C _{BEHV})
۱۲	مشابه پیامی که دکتر فرستاد (C)	ص ۴۴۳، سطر ۷	مبهم و بدون اندیس
۱۳	جرج گرینر محقق ارتباط را	ص ۴۴۵، سطر ۱۷	محقق ارتباطات را
۱۴	آسوری	ص ۴۹۹ سطر ۲ به آخر از پاورقی ۴۱	آسوری

اشتباهات مربوط به رسم الخط در کتاب ارتباط‌شناسی
اشتباهات رسم الخط در این کتاب نسبتاً زیاد است که این موارد بر اساس رسم الخط مصوب
فرهنگستان زبان و ادب فارسی تصحیح شده و در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳ اشتباه‌های مربوط به رسم الخط در کتاب ارتباط‌شناسی و تصحیح آن‌ها بر اساس قواعد مصوب
فرهنگستان زبان و ادب فارسی

ردیف	اشتباه	آدرس (صفحه و سطر)	صحیح (به همراه مستند)
۱	معنی	از واژگان کلیدی که بارها در کتاب تکرار شده است	معنا (فرهنگستان، ۱۳۸۹: ۳۶؛ ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۷۲)
۲	همکلاسیه‌های	ص ۹ مقدمه چاپ اول، سطر ۳ به آخر	هم کلاسی‌های (شعار، ۱۳۹۲: ۱۴۷؛ ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۲)
۳	جهان سومیه‌ای	ص ۱۱ از مقدمه چاپ اول، سطر ۱۰	جهان سومی‌های (فرهنگستان، ۱۳۸۹: ۲۴؛ ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۲)
۴	بویژه	ص ۱ از مقدمه چاپ دوم، سطر ۹	به‌ویژه (ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۳)
۵	قدرشناسند	ص ۱ از مقدمه چاپ سوم، سطر ۱۰	قدرشناس‌اند (فرهنگستان، ۱۳۸۹: ۲۵؛ ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۹)
۶	آتقدر	ص ۱ از مقدمه چاپ سوم، سطر ۷	آن‌قدر (شعار، ۱۳۹۲: ۱۴۷؛ فرهنگستان، ۱۳۸۹: ۲۱)
۷	کتابسوزیها	ص ۱۹، سطر ۱۵	کتاب‌سوزی‌ها (فرهنگستان، ۱۳۸۹: ۲۴؛ ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۲)
۸	مواجه‌ایم / مقصود آن است که ...	ص ۷۴، سطر ۱۵ و ۱۸	ظاهراً این خط کج (/) یک پراتنز است و یا نشانی که مؤلف نهاده است در هر حال در این متن معنا ندارد.
۹	ناتوانی	ص ۷۴، سطر ۱۸	ناتوانی‌ای (فرهنگستان، ۱۳۸۹: ۲۷)
۱۰	بر حجم لغت معنی شما افزوده می‌شد.	ص ۷۹، سطر ۷	بر حجم «لغت معنای شما افزوده می‌شد»
۱۱	باطلاقی	ص ۸۰، سطر ۱۲	باتلاق (فرهنگستان، ۱۳۸۹: ۴۶؛ شعار، ۱۳۹۲: ۱۷۲)
۱۲	اندازه‌گیری‌هایم	ص ۱۲۹، سطر ۶	اندازه‌گیری‌هایم (ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۲)
۱۳	محتوی پیام	ص ۱۴۳، سطر ۴	محتوای پیام (فرهنگستان، ۱۳۸۹: ۳۶؛ شعار، ۱۳۹۲: ۱۶۶-۱۶۷)

ردیف	اشتباه	آدرس (صفحه و سطر)	صحیح (به همراه مستند)
۱۴	ساده‌ترینها	ص ۱۶۷، سطر ۸	ساده‌ترین‌ها (فرهنگستان، ۱۳۸۹: ۲۴؛ ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۲)
۱۵	قابل درک‌اند	ص ۱۹۵، سطر ۲	قابل درک‌اند (فرهنگستان، ۱۳۸۹: ۲۵؛ ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۹)
۱۶	همجواری	ص ۱۹۵، سطر ۴ به آخر	همجواری (شعار، ۱۳۹۲: ۱۴۵)
۱۷	دستیابها	ص ۲۲۷، سطر ۷	دستیابی‌ها (فرهنگستان، ۱۳۸۹: ۲۴؛ ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۲)
۱۸	سادگی	سطر ۵ ص ۴۴۳	سادگی‌ای (فرهنگستان، ۱۳۸۹: ۲۷؛ احمدی گیوی و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۷)

دیگر انتقادهای صوری در کتاب ارتباط‌شناسی

خرده‌انتقادهای صوری این مقاله درباره کتاب ارتباط‌شناسی به این شرح است:

۱. افراد زیادی از دانشجو، استاد، مترجم زبان، مهندس برق و کامپیوتر و غیره به مؤلف کمک کرده‌اند که ایشان نیز کاملاً حقیقت‌شناسی داشته و نام برخی را در مقدمه و دیگران را هم در جای جای متن ارائه و از آنان تقدیر کرده‌اند؛ اما شایسته است نام همگی در صفحه تقدیر در اول کتاب نیز ذکر شود.

۲. مقدمات متعدد مؤلف بر کتاب دارای شماره صفحه نیست؛ نه عددی و نه الفبایی.

۳. در صفحه ۵۸ سطر ۱۴ نوشتند «سایبرنتیک» (معادل Cybernetics) و در صفحه ۵۲۶ سطر ۱۴ نوشته‌اند «سایبرنتیک» که از جهت افزودن الف و مهم‌تر از آن جابه‌جایی یاء و تاء تفاوت دارد و بهتر است یکسان شود. همان‌طور که در صفحه ۴۴۵، مدل ارتباطی گرینر را با نام «گرینر» طرح کردند، اما در متن در ص ۴۴۵ و نیز نمودارهای ص ۴۴۷ و ۴۴۸ نوشته‌اند «جرینر» که بهتر است یک‌دست شود.

۴. در پاورقی ۹۶ در صفحه ۷۰: «برای process معادل‌های دیگری نیز چون کلمه ... و ... و ...» این جمله چند سطری در پایان خود فعل ندارد.

۵. در صفحه ۱۲۷ نوشته‌اند: «تحقیقات خود را درباره مفهوم فضا در کودکان منتشر کرد ... حقیقت در کودکان در دسترس است». در این جمله، تعبیر «در کودکان» معنا ندارد و پیشنهاد می‌شود به عباراتی چون «نزد کودکان» یا: «در ذهن کودکان» تبدیل شود.

۶. از اشکالات بسیار گسترده این است که در موارد زیادی فاصله‌ها و نیم‌فاصله‌ها خوب مراعات نشده است؛ مانند: ص ۱۴۸: مکرروطنی سالها (اصلاح: مکرر و طی سال‌ها)؛ ص ۱۵۰: در فرهنگ‌های لغت با ادب یا مؤدب (اصلاح: در فرهنگ‌های لغت با ادب یا مؤدب)؛ در ص ۱۷۲: آکسفورد بودواز ... (اصلاح: آکسفورد بود و از)؛ در ص ۳۷۵، سطر دوم و هشتم: پیش مدل (اصلاح: با درج نیم‌فاصله: پیش مدل)؛ ص ۱۸۹: مدل گونه ارسطو (اصلاح: مدل گونه ارسطو) و موارد دیگر.

۷. تصحیح علایم سجاوندی: ص ۱۰۴: «قاب عکس، سرازیری کمپ پلیس» که بعد از «سرازیری» لازم است ویرگول باشد. در ص ۹۷: «اگر پاسخ نمی‌دانم دریافت می‌شد...» که باید «نمی‌دانم» در گیومه باشد. در ص ۱۸۹: «با این سؤال، دیوید برلو آغاز می‌کنیم» که لازم است ویرگول بعد از «سؤال» حذف شود. در ص ۲۸۳: «بسته است. او هزاران مضمون را» که لازم است نقطه بعد از «است» به ویرگول تبدیل شود. همچنین عنوان جدول شماره ۱ چنین است: «پاسخ‌های ارتباط چه نوع چیزی است؟» (ص ۵۲) و عنوان جدول شماره ۲ چنین است: «پاسخ‌های در ارتباط چه چیزی منتقل می‌شود؟» (ص ۵۳) و این عناوین، به علت فقدان مراعات دو علامت سجاوندی یعنی گیومه و ویرگول، مبهم است و پیشنهاد می‌شود به این شکل تصحیح گردد: پاسخ‌های مربوط به سؤال «ارتباط، چه نوع چیزی است؟» و: پاسخ‌های مربوط به سؤال «در ارتباط، چه چیزی منتقل می‌شود؟».

۸. ارجاعات درون‌متنی بدون تعیین صفحه: پنج مورد دارای این اشکال در کتاب یافت شده است: اول اینکه در ص ۳۳۱ نوشته‌اند: «به مثال مذاکره زن و شوهر درباره سگ برمی‌گردیم»؛ اما این مثال را در اوایل کتاب گفته‌اند و اینجا به بخش آن هم ارجاع ندادند چه رسد به صفحه‌اش. دوم اینکه در ۳۴۴ به فرمول مشترک خود و دکتر بدیع اشاره می‌کنند که طبق آن، یک عدد ۴۳ رقمی برای انواع پیام با محتوای «مادرم مریض بود» می‌توان ساخت و حتی اشاره نکرده‌اند که این مسئله قبلاً گذشت چه رسد به ارجاع به صفحه‌اش. سومین مورد، بحثی در جامعه‌شناسی شناخت است که درباره علت تجلی معنایی خاص در ص ۳۲۶ مطرح نموده و در ص ۳۴۸ بدون تعیین صفحه به آن ارجاع داده‌اند و تنها گفته‌اند قبلاً مطرح شد. چهارمین مورد، ارجاع به پوستر «سیاهک گندم» در ص ۳۵۲ است که تنها نوشته‌اند: «در فصل پیام مطرح شد» ولی صفحه آن را معین نکرده‌اند. پنجمین مورد، در ص ۳۵۵ است که باز هم به پوستر سیاهک گندم ارجاع دادند در حالی که فصل پیام را هم ذکر نکرده‌اند.

۹. نمایه‌هایی چون نام‌ها، موضوعات و غیره در کتاب وجود دارد، اما این کتاب

مشمول بر بیش از یک‌صد جدول، نمودار و تصویر است که فهرست ندارد.
۱۰. عنوان پشت جلد کتاب با عنوان روی جلد تطابق ندارد. عنوان پشت جلد عبارت است از:

COMMUNICOLOGY

An Innovative Definition And Model For Communication Process

ترجمه این عنوان چنین است: «ارتباط‌شناسی؛ یک تعریف و یک مدل ابتکاری برای فراگرد ارتباطات». اما عنوان روی جلد کتاب چنین است: *ارتباط‌شناسی ارتباطات انسانی (میان‌فردی، گروهی، جمعی)*.

عنوان انگلیسی شامل مهم‌ترین بخش کتاب است؛ البته مؤلف در بخش‌های زیادی از کتاب به بیان مدل‌های ارتباطات می‌پردازند؛ لذا پیشنهاد می‌شود عنوان اصلی کتاب یعنی *ارتباط‌شناسی حفظ شود*، اما زیرعنوانی جدید که تلفیقی از این دو باشد برای کتاب انتخاب شود.

نقد ساختاری

ساختار (structure) عبارت است از چگونگی اتصال موضوعات بر اساس الگوهای سازمان‌دهی منطقی (آرامبراستر و آندرسون، ۱۳۷۲: ۸۲؛ آرمند، ۱۳۸۴: ۴۸). ساختار درست، یکی از شاخص‌های پنج‌گانه در ارزیابی و نقد کتاب درسی دانشگاهی (رضی، ۱۳۸۷: ۲۰۰) و یکی از عوامل مؤثر در یادگیری (آرمند، ۱۳۸۴: ۴۸) و یکی از صد ویژگی کتاب دانشگاهی کارآمد و اثربخش است (منصوریان، ۱۳۹۲: ۱۳)؛ زیرا این نظم در درک بهتر محتوا مؤثر است (آرمند، ۱۳۸۴: ۴۹) و سبب می‌شود فراگیران بتوانند فهم، درک، یادسپاری و به کارگیری اطلاعات خود را افزایش دهند (آرامبراستر و آندرسون، ۱۳۷۲: ۸۲). همچنین دیدگاه منطقی ایشان پرورش می‌یابد و مطالب خود را به روش منطقی ارائه می‌کنند (شیخ‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۲۵).

محورهای نقد ساختاری کتاب به این شرح است:

مطالب رها شده و فاقد عنوان

برخی مطالب در این کتاب عنوان ندارد:

۱. آزمونی به نام آزمون میزان تجلی معنا ارائه کرده‌اند (ص ۲۳۶-۲۴۰) که به کلی فاقد عنوان است و عنوانی که این جانب در آغاز این سطر به آن دادم نیز از روی جدول صفحه ۲۳۹ دریافت شده است.

۲. آزمایشی در مبحث ارتباط غیر کلامی انجام داده‌اند که هیچ نام و تیتیری ندارد (ص ۲۶۵-۲۷۱).

۳. در ذیل اولین زیرعنوان در بخش پنجم، توضیحات مناسبی درباره مدل و نیز دسته‌بندی انواع مدل ارتباطی به طور کلی نوشته‌اند (ص ۳۱۵-۳۱۷) که مطلبی مستقل، فاقد عنوان و گم است.

صفحات طولانی فاقد زیرعنوان

نگارش صفحات طولانی و بدون وقفه (که با عنوان‌ها و زیرعنوان‌ها ایجاد شود)، سبب خستگی مخاطب است (آرمند، ۱۳۸۴: ۴۷). متأسفانه این اشکال ساختاری در کتاب *ارتباط‌شناسی بسیار بارز و مشکل‌ساز است*:

۱. مؤلف محترم، سی صفحه (حدود یک بخش کامل کتاب) را به بحث مهم تعریف ارتباط اختصاص داده‌اند (ص ۳۹-۶۹). این حجم بالا از کتاب دارای هیچ‌گونه عنوان درونی نیست. پیشنهاد می‌شود دست کم سه عنوان برای مباحث خود در این بخش ایجاد کنند: تعریف لغوی ارتباط، تعاریف اصطلاحی ارتباط، تجزیه و تحلیل این تعاریف و نقد آن‌ها.

۲. «گزارش آزمایش نشانه‌ها در ایران»، در سی و دو صفحه (ص ۹۲-۱۲۴).

۳. گزارش آزمایش جان‌پنداری در ایران، بیش از بیست صفحه (ص ۱۲۴-۱۴۶).

۴. گزارش آزمایش معنی‌های ضمنی در ایران در حدود دوازده صفحه (ص ۱۴۶-۱۵۸).

عدم تناسب معنایی محتوا و عنوان

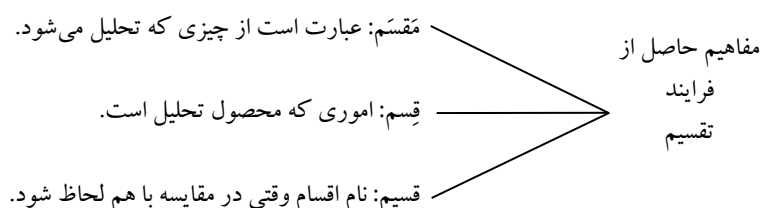
یکی از اصول مهم در ایجاد انسجام متن، تناسب عنوان با محتواست (ملکی، ۱۳۸۴: ۱۴). پژوهش‌ها نشان داده است عنوان‌ها در انسجام دادن به متن و درک خواننده از متن و روشن شدن نکات مبهم تأثیر فراوان دارد (همان: ۱۸؛ آرمند، ۱۳۸۴: ۴۷). هاینس می‌گوید: نکته مهم در سازمان‌دهی محتوای کتاب درسی آن است که بتوانید محتوای هر صفحه را به محتوای فصل و محتوای هر فصل را به کل کتاب ارتباط دهید (ملکی، ۱۳۸۴: ۱۳).

در کتاب *ارتباط‌شناسی*، انتخاب عنوان بخش برای بخش سوم که «پیام‌های کلامی» نام گرفته، نادرست است؛ زیرا مؤلف محترم در این بخش، به تفصیل از انواع نشانه بحث کرده‌اند که موضوعی کاملاً مستقل است؛ به این صورت که در این فصل که ۵۱ صفحه است، ۲۷ صفحه را به انواع سه‌گانه نشانه پرداخته‌اند که از نظر نشانه‌شناسان و حتی از نظر

مؤلف نیز تنها یکی از آن‌ها که نشانه قراردادی است، مربوط به پیام‌های کلامی است (محسنیان‌راد، ۱۳۹۳: ۱۹۴؛ همچنین ن.ک.: آلتون، ۱۳۸۶: ۱۳۷-۱۳۸؛ سجودی، ۱۳۸۷: ۳۱). همچنین ۷ صفحه هم به ترکیب کد و محتوا و نحوه ارائه که در واقع بررسی پیام‌هایی تصویری است، اختصاص یافته است؛ بنابراین «پیام کلامی» عنوان درستی برای این محتوا نیست.

تخلف از منطق تقسیم در عنوان‌بندی

وقتی یک تقسیم منطقی صورت می‌گیرد سه مفهوم به وجود می‌آید که این مفاهیم در نمودار ۱ نشان داده شده است (مظفر، ۱۳۸۸: ۱۲۳).



نمودار ۱ مفاهیم اصلی تقسیم (مظفر، ۱۳۸۸)

تقسیم منطقی دارای پنج قاعده و این قواعد مربوط به مفاهیم سه‌گانه مذکور است:

۱. جامعیت و مانعیت: تقسیم باید همه جزئیات مقسم را شامل شود و چیزی را خارج از آن دربرنگیرد؛ به گونه‌ای که همه اقسام با مقسم برابر باشد (مظفر، ۱۳۸۸: ۱۲۷).
۲. عنوان مقسم باید یک عنوان کلی (نه کل) باشد و این اقسام باید مصداق جزئی (نه جزء) برای آن عنوان کلی مقسم باشد (فارابی، ۱۴۰۴: ۸۱).
۳. تباین اقسام: قسم‌ها باید با هم تقابل داشته باشد (همان)؛ یعنی نباید بتوان برخی از اقسام را ذیل قسم دیگر قرار داد (خوانساری، ۱۳۷۶: ۱۷۰) و این قانون خود دارای سه فرع است:

- قسم یک چیز نمی‌تواند قسم برای خود آن چیز باشد؛
- قسم یک چیز نمی‌تواند قسم برای خود آن چیز باشد؛
- چیزی را نمی‌شود به خودش و غیر خودش تقسیم کرد (مظفر، ۱۳۸۸: ۱۲۶).
- ۴. تقسیم باید مبتنی بر ملاک واحد باشد (همان: ۱۲۷). مثلاً تقسیم پرندگان به مرغان شب‌بین و روزبین و مرغان دریایی غلط است (خوانساری، ۱۳۷۶: ۱۷۱).

۵. تقسیم باید از اعم آغاز و به اخص منتهی شود (همان).

با توجه به این مبانی، چند اشکال در ساختار منطقی این کتاب وجود دارد. این اشکال‌ها ناظر به عنوان‌بندی‌های کتاب است که عیناً در جدول ۱ که در صفحات قبل ارائه شد، درج شده است:

۱. تعبیر «مقدمه» پس از «مقدمه چاپ دوم» که در جدول ۱ ارائه شده است، درست نیست و بهتر است به «مقدمه چاپ اول» تغییر یابد؛ زیرا چند مقدمه دیگر در این کتاب وجود دارد و «مقدمه» اعم از دیگر مقدمه‌هاست و در نتیجه اقسام با هم تباین کلی نخواهد یافت.

۲. در بخش اول، «شناخت فراگرد» در قالب قسم برای «ارتباط چیست؟» و نیز قسم برای مقسم «نگاهی عمومی به ارتباطات» مطرح شده است؛ اما بررسی فراگرد، یک مبحث طفیلی و مفهومی و به جهت تحلیل عنوان «فراگرد» در تعریف‌های ارتباطات از جمله تعریف مؤلف است که در بسیاری از علوم مطرح می‌شود، نه یک قسم برای مبحث «ارتباطات چیست؟».

۳. در بخش سوم، فقط یک قسم به نام «پیام» دارد که با شماره ۱ در فهرست کتاب مشخص شده است و شماره دومی وجود ندارد. (ر.ک.: جدول ۱) و مشابه این اشکال در بخش پنجم هم وجود دارد.

۴. دو مورد از موارد تداخل مقسم و قسم، این موارد است: مؤلف، نشانه را در معنای نمایه که همان نشانه طبیعی است به کار برده و این مسئله سبب سوء تفاهم زیادی برای خواننده می‌شود؛ برای مثال ایشان نوشته‌اند: «حرکت سر به معنی «بله» یک رمز قراردادی غیر کلامی و برای مثال ترس از طریق چشم و پلک یک نشانه غیر کلامی محسوب می‌شود» (ص ۲۷۱). در اینجا نشانه غیر کلامی عنوانی عام است که شامل حرکت سر و پلک، هر دو می‌شود و مقسم است و بهتر است به جای نشانه برای حرکت چشم و پلک ناشی از ترس، تعبیر «نمایه» به کار برند که یکی از اقسام سه‌گانه نشانه (نماد، نمایه و شمایل)^۱ است و مؤلف هم قبل از این عبارت در فصل قبل، نشانه را مقسم قرار دادند و آن را بر همان سه قسم دانستند (ص ۱۹۴).

۱. طبقه‌بندی‌های متفاوتی برای نشانه ارائه شده است، از جمله سوسور نشانه‌ها را به دو قسم تقسیم می‌کند: دال و مدلول (محمدپور، ۱۳۹۲: ۱۱۷). سوزان لانگر معتقد است که ۵۹۰۴۹ نوع نشانه وجود دارد که آن‌ها را سرانجام در یک طبقه‌بندی کلی تر به شصت و شش نوع کاهش می‌دهد (سجودی، ۱۳۸۷: ۳۰). پیرس «نشانه‌ها» را به سه دسته معروف شمایل (icon)، نمایه (index) و نماد (symbol) تقسیم کرده است (آلستون، ۱۳۸۶: ۱۳۷-۱۳۸؛ سجودی، ۱۳۸۷: ۳۱). مؤلف از تقسیم پیرس تبعیت کرده است (ص ۱۹۴).

همین‌طور عنوانی به نام «کدها (رمزها) و نشانه‌ها در پیام» مطرح کرده‌اند (ص ۱۹۲)؛ با اینکه کدها که همان رمزهاست، یکی از اقسام نشانه است و مؤلف محترم نیز یکی از اقسام نشانه را (نوع دوم که نشانه وضعی یا قراردادی باشد) کد دانستند (ص ۱۹۴).

۵. بخش چهارم را با عنوان «پیام‌های غیر کلامی» مطرح نموده و برای آن دو زیربخش در نظر گرفته‌اند: «ارتباطات غیر کلامی» و «تجربه ارتباط غیر کلامی در ایران»؛ در حالی که این زیربخش‌ها، قسم برای پیام‌های غیر کلامی نیست بلکه مقسم برای آن است؛ چون پیام، جزئی از فراگرد ارتباط است نه اینکه ارتباط جزء پیام باشد.

۶. «فیلترها یا دروازه‌بانان پیام» در بخش پنجم، با فونتی که یک زیرعنوان یا قسم برای مقسم «پیشنهاد مدلی برای ارتباطات انسان با انسان» در قالب بخش اصلی قرار داده است، ارائه شده اما این مبحث یکی از زیرعنوان‌های ارتباط جمعی است نه بخش اصلی.

دیگر انتقادهای ساختاری

۱. مؤلف در توضیح تعریف خود از ارتباط، آن را «فراگرد انتقال پیام از سوی فرستنده برای گیرنده، مشروط بر آنکه در گیرنده پیام مشابهت معنا با معنای مورد نظر فرستنده پیام ایجاد شود» دانسته‌اند و فقط بر تبیین بخش «مشابهت معنا» در این تعریف تمرکز دارند و آن را شرح داده‌اند، اما درباره مفهوم فراگرد در این قسمت توضیحی نداده‌اند؛ بلکه فراگرد را بعد از بحث ارتباط جمعی یعنی در آخر این بخش شرح داده‌اند. پیشنهاد می‌شود تبیین مفهوم فراگرد را درست بعد از آن تعریف خود جای دهند و اگر هم ضرورتی در این تأخیر می‌دانند، دست کم درست بعد از بیان تعریف ارتباط، تذکر دهند که مفهوم فراگرد در قالب عنصر مقوم این تعریف در آخر بخش تبیین خواهد شد.

۲. عنوان بخش هفتم، عنوانی عام به این شرح است: «سیر تحول ارتباطات انسان با انسان» (ص ۴۸۵)، اما همان‌طور که مراجعه به محتوای آن در جدول ۱ روشن می‌کند، بیشتر محتوای این بخش تنها به موقعیت ایران در سه کهکشان اختصاص دارد، گرچه به طور ضمنی به اوضاع کلی ارتباطات در سطح جهانی هم در ضمن هر کهکشان اشاره‌ای دارند. پیشنهاد می‌شود عنوان بخش به «سیر تحول ارتباطات انسان با انسان در ایران و جهان» تغییر یابد و همچنین در ذیل این عنوان کلی، یک زیرعنوان ایجاد شود و به معرفی این سه کهکشان خصوصاً علت استفاده از تعبیر «کهکشان» بپردازند. همچنین مبحث تحول وسایل ارتباطی نیز قبل از کهکشان‌های ارتباطی در ایران که مصداقی برای آن تحولات است باید مطرح شود نه پس از آن.

نقد محتوایی

ضعف بنیه تحلیلی در فرایند تعریف ارتباط از سوی مؤلف مؤلف محترم، سی صفحه (حدود یک بخش کامل کتاب) را به بحث مهم تعریف ارتباط اختصاص داده‌اند (ص ۳۹-۶۹). ایشان در نقد خود این تعاریف را دسته‌بندی کرده‌اند و در چند دسته جای داده‌اند، اما دسته‌بندی ایشان شامل کل تعاریفی که خود ارائه کرده‌اند نیست و تعاریفی که معتقدند ارتباط، انتقال معناست مانند تعریف برلو (ص ۴۴) و تعریف لیندگرن (ص ۴۵) را نقد نکرده‌اند.

همچنین ایشان تعریفی از ارتباط را از جانب خود ارائه می‌دهند (ص ۵۷)، اما فرایند تحلیلی دست یافتن به این تعریف بسیار سریع و خلق‌الساعه است؛ زیرا مؤلف محترم باید نسبت تعریف خود به این تعاریف و دست‌کم دسته‌های اصلی آن‌ها را بیان و نقاط افتراق و تشابه خود با آنان و میزان وام‌داری تعریف خود به آن تعاریف را مشخص کنند که البته این نقیصه هم محصول نقد نشدن کامل تعاریف به وسیله ایشان است که پیش‌تر به آن اشاره شد و اثر آن در این بخش آشکار می‌شود.

نارسایی برخی مبانی روش‌شناختی آزمایش‌های کمی در کتاب *ارتباط‌شناسی* در کتاب *ارتباط‌شناسی* از تحقیقات میدانی متعدد و بسیار گسترده‌ای استفاده شده است که مؤلف آن‌ها را آزمایش نامیده است. این تحقیقات دارای چندین اشکال اساسی روش‌شناختی است: اولین و مهم‌ترین سؤال در این تحقیقات این است که آیا این تحقیقات از سنخ آزمایش است؟ تحقیق آزمایشی باید کنترل درونی داشته باشد یعنی تأثیر متغیرهای مزاحم حذف شود (دلاور، ۱۳۹۲ الف: ۳۱۹ و ۳۳۰). اصلی‌ترین ویژگی تحقیق آزمایشی، کنترل متغیرهای مزاحم است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶: ۷۶)؛ همچنین در تحقیق آزمایشی، متغیر مستقل دستکاری می‌شود تا میزان تغییر متغیر وابسته تعیین شود (دلاور، ۱۳۹۲ الف: ۳۱۹ و ۳۳۰)؛ اما این خصوصیات در تحقیقات مؤلف که آن‌ها را آزمایشی نام نهاده، وجود ندارد. نوعی طرح شبه‌آزمایشی وجود دارد که به چند صورت انجام می‌شود و ضعیف‌ترین نوع آن طرح پس‌آزمون با یک گروه است که مثلاً اثر فیلم خشن (متغیر مستقل) بر پرخاشگری نوجوانان (متغیر وابسته) را با انتخاب گروهی از نوجوانان (آزمودنی) و نشان دادن فیلم به آنان و سپس آزمون پرخاشگری آنان انجام دهیم (دلاور، ۱۳۹۲ الف: ۳۳۱-۳۳۲) گویا مؤلف تحقیق خود را از سنخ این روش انگاشته است؛ اما اولاً این روش در کنترل متغیرهای مزاحم ناتوان است و لذا به سختی آزمون استنباطی می‌دهند (همان)؛ ثانیاً این روش به

قراردادن آزمودنی در معرض متغیر و بررسی آثار آن بر روی وی نیاز دارد. نه اینکه مثلاً تصویری به افرادی نشان دهیم و برداشت آنان از آن را تحلیل کنیم که مؤلف انجام داده‌اند. این روش مؤلف در کلیه تحقیقاتی که نامش را آزمایش گذاشتند، به هیچ‌وجه آزمایش نیست و صرفاً پیمایش است که به تصریح مؤلف با پرسشگری از افراد (نک: ص ۹۷، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۵۸ و ۱۵۹) جمع‌آوری شده است.

این تحقیقات (که اطلاعات مربوط به آن‌ها طبق کتاب ارتباط‌شناسی، به شکل خلاصه در جدول ۴ ارائه شده است) اشکالات روش‌شناختی متعدد دیگری دارد که در قالب پیمایش نیز خدشه‌دار است. این اشکالات در ادامه پس از جدول ارائه شده است.

جدول ۴ مشخصات آزمایش‌های کمی ارائه شده در کتاب ارتباط‌شناسی و تصحیح آن‌ها

ردیف	نام آزمایش	باز زمان انجام آزمایش	باز روش نمونه‌گیری	باز حجم نمونه	استدلال بر حجم نمونه	بیان مشخصات کلی افراد مورد آزمایش					تعیین نوع آزمون	تعیین میزان اطمینان
						باز	باز	باز	باز	باز		
۱	آزمایش نشانه‌ها در ایران	×	×	✓	×	✓	✓	✓	×	×	✓	✓
۲	آزمایش جان‌پنداری در ایران	✓	×	✓	×	×	×	×	×	-	×	✓
۳	آزمایش معناهای دلالت‌کننده در ایران	✓	×	✓	×	×	×	×	×	×	✓	✓
۴	آزمون میزان تجلی معنا	✓	×	✓	×	✓	✓	✓	✓	✓	×	×
۵	آزمایش اول در مبحث ارتباط غیر کلامی	✓	×	✓	×	✓	✓	✓	✓	-	✓	✓
۶	آزمایش دوم در مبحث ارتباط غیر کلامی	✓	×	✓	×	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓

در مواردی که علامت «-» به کار رفته است، گزینه دارای موقعیت انتخاب نیست؛ برای مثال، آزمایش دوم درباره کودکان است و شغل کودکان معنا ندارد و تحصیلات آن‌ها هم معلوم است.

همان‌طور که در جدول دیده می‌شود (مواردی که با علامت «X» مشخص شده‌اند)، بخش‌های قابل توجهی از مبانی روشی در این آزمایش‌ها نامشخص است. چند اشکال

روش شناختی بر این تحقیقات به شرح زیر است:

۱. در آزمایش جان پنداری در ایران، مکان را تهران و چند شهر معرفی کرده‌اند (ص ۱۲۹)؛ اما نام و گستره آن چند شهر را مشخص نکردند. فقدان استدلال بر انتخاب تهران و این چند شهر هم اشکالی دیگر بر این آزمایش است که در بند بعد توضیح داده خواهد شد.

۲. فقدان استدلال بر انتخاب نمونه‌ها: در آزمون میزان تجلی معنا نوشته‌اند این آزمون بر روی تعدادی از روستاییان در روستاهایی از توابع همدان، بروجرد، مشهد، تبریز و ارومیه انجام شده است (ص ۲۳۶) که گرچه مکان آزمون را مشخص کرده‌اند، نوشته‌اند انتخاب این مکان‌های خاص برای نمونه به چه علت بوده است. آیا در قالب نمونه‌ای تصادفی از یک جامعه بزرگ‌تر و در یک فرایند تصادفی انتخاب شده یا تنها در دسترس بوده و یا دلیل دیگری داشته است؟

همچنین آزمایش دوم درباره ارتباطات غیرکلامی در ایران (ص ۲۸۵-۳۱۲)، بر روی ۱۴۹ نفر از دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه، دانشکده صدا و سیما و یکی از دبیرستان‌های دخترانه تهران انجام شده است (ص ۲۸۸)، اما مشخص نکرده‌اند چرا دبیرستان دخترانه و نه پسرانه؟ و چرا یک دبیرستان؟ همچنین در همین آزمایش دوم که درباره ارتباطات غیرکلامی در ایران است، آزمون را بر روی ۷۸ زن و ۷۱ مرد (ص ۳۰۱) انجام داده‌اند که برای اولین بار تعداد زن و مرد را جدا مشخص کرده‌اند و تفاوت مردان و زنان را بررسی و با اطمینان ۹۹/۹ درصد اثبات کردند جنسیت نقشی ندارد (ص ۳۰۴)؛ اما در بقیه آزمایش‌ها جنسیت را بررسی نکردند.

همچنین در آزمایش نشانه‌ها در ایران، نوشته‌اند ۷۵ نفر از افراد این نمونه، شهری و ۹۷ نفر روستایی بودند؛ اما شهر را مشخص نکردند و در مورد روستا نوشته‌اند از دو روستای کردان و پل کردان بین کرج و قزوین بوده است (ص ۹۷)؛ اما نوشتند چرا این دو روستا انتخاب شده‌اند. و همین‌طور در سایر موارد چرا از شهری و روستایی هر دو استفاده نکرده‌اند؟ اصولاً تنوع فرهنگ‌ها و اقوام ایرانی هیچ جایگاهی در این آزمایش‌ها ندارد؛ در حالی که یقیناً تنوع فرهنگی در درک نشانه‌ها و معانی اثر دارد. مؤلف خود در آزمایشی که در ایران درباره اسلاید فرد در حال دعا انجام دادند، دریافتند که ۳۷/۵ درصد پاسخ دهندگان (بیشترین گروه) به هنگام دیدن اسلاید ۱۰ (فقط چهره این فرد) و شاید با دقت بر زاویه سر او، پاسخ «حالتی دعاگونه حاکی از درخواست و استمداد» را انتخاب کردند (ص ۳۰۱)؛ اما خود می‌نویسند در هیچ یک از منابع غربی چیزی درباره دریافت پیام حالت

دعاگونه از این تصویر ندیده‌ام (ص ۳۰۴). پس نقش فرهنگ‌ها مهم است و اینجا سؤال این است که آیا در این آزمایش‌ها اقوام مختلف ایرانی را انتخاب کرده‌اند؟

سؤالاتی دیگر نیز ذهن خواننده کتاب را به خود مشغول می‌کند که: آیا سواد بصری و اطلاعاتی افراد که ناشی از سطح تحصیلات، شهری یا روستایی بودن، سطح فرهنگی و غیره است، در این آزمایش‌ها منظور شده است؟ آیا این پراکنش جغرافیایی نمونه کافی است؟ آیا این پراکنش سنی نمونه کافی است؟ آیا این پراکنش جنسیتی نمونه کافی است؟ آیا این پراکنش تحصیلاتی نمونه کافی است؟ آیا این پراکنش شغلی نمونه کافی است؟ و چرا؟ این‌ها سؤالاتی است که پاسخی برای آن‌ها ذکر نشده است و حال آنکه از ویژگی‌های اصلی روش آزمایشی، کنترل متغیرهای مزاحم است (دلاور، ۱۳۹۲: ۳۱۹).

۳. عدم تعیین جامعه و روش نمونه‌گیری: همان‌طور که در جدول ۴ نشان داده شده است، جامعه آماری و نوع روش نمونه‌گیری در هیچ‌کدام از آزمایش‌ها معلوم نیست. مؤلف گاهی تعبیر «نمونه» را برای افراد آزمایش خود به کار برده‌اند (ص ۹۷ و ۳۰۴) و در گزارش آزمایش‌ها در ایران نیز تصریح دارند که این آزمایش قابل تعمیم به جامعه بزرگ‌تر است (ص ۱۱۲) و در بقیه موارد هم مشخص است که ایشان نمونه‌گیری کرده‌اند و اصلاً مبنای آمار استنباطی، نمونه‌گیری درست و فاقد اریب است که امکان برآورد صحیح از مشخصات جامعه را فراهم می‌کند (دلاور، ۱۳۹۲: الف: ۲۸۲) و نکته اینجاست که نمونه عبارت است از زیرجامعه‌ای که از کل جامعه انتخاب می‌شود و معرف آن است (همان: ۲۷)، اما جامعه در این تحقیق هرگز معرفی نشده است.

همچنین از ویژگی‌های مهم در روش آزمایشی، انتخاب تصادفی است (دلاور، ۱۳۹۲: الف: ۳۱۹) که متغیرهای مزاحم را نیز به شکل قدرتمندی کنترل می‌کند (ویمر و دومینیك، ۱۳۸۴: ۳۷۸) و سؤال اینجاست که هیچ‌اطلاعی از میزان تصادفی بودن نمونه‌های ایشان در دسترس نیست؛ بلکه شواهد نشان می‌دهد که دست‌کم در دو آزمایش از نمونه‌های در دسترس (یعنی دانشجویان کلاس خود) استفاده کرده‌اند (ص ۱۵۲ و ۲۶۵) که غیراحتمالی است. البته استفاده از نمونه‌های غیراحتمالی نه فقط رایج است، بلکه در موارد عدم امکان انتخاب تصادفی به عللی چون پراکنندگی فراوان جمعیت یا فقدان چهارچوب نمونه‌گیری، روشی تعیین‌کننده است (واس، ۱۳۸۹: ۸۴)؛ اما اولاً به نظر نمی‌رسد این محدودیت‌ها در تحقیق ایشان وجود داشته باشد. ثانیاً بر فرض وجود، اعلام نکرده‌اند و اصلاً هیچ توضیحی ندارد که روش ایشان تصادفی است یا غیرتصادفی و چرا

غیرتصادفی.

۴. در هیچ کدام از آزمایش‌ها استدلالی بر حجم نمونه خود ارائه نکرده‌اند؛ آیا واقعاً حجم برای تحقیق ایشان مهم نبوده است؟ قطعاً چنین نیست؛ زیرا هسته اصلی منطق نمونه‌گیری همان تعیین یا تخمین حجم نمونه است و حجم نمونه اثر مستقیم در سطح معناداری آزمون (که مؤلف در آزمون‌ها همواره میزان آن را مشخص کرده‌اند)؛ درجه اطمینان در تعمیم دارد (رفیع‌پور، ۱۳۸۷: ۳۷۱؛ واس، ۱۳۸۹: ۷۸)؛ مؤلف نیز در یکی از آزمایش‌های خود از نتیجه آزمایش استفاده می‌کنند (فارغ از میزان صحت این استفاده) که حجم نمونه ایشان کافی بوده است (ص ۳۰۴)؛ پس حجم نمونه قطعاً در نظر ایشان هم مهم بوده است.

۵. اعتبار درونی آزمایش‌ها را معمولاً از طریق تکرار ارزیابی می‌کنند. اعتبار بیرونی طرح‌های آزمایشی نیز یک ارزیابی ضروری برای قابلیت تعمیم نتایج آن‌هاست (دلاور، ۱۳۹۲: ۳۲۷). تکرار کردن آزمایش از راه‌هایی است که پایایی آن را نیز تأمین می‌کند (ویمر و دومینیک، ۱۳۸۴: ۱۰۷) اما این آزمایش‌ها در این کتاب تکرار نشده است.

مقیاس‌های تدوین شده از سوی محقق نیز باید مورد آزمون پایایی و روایی قرار گیرد و گرنه نتایج ضعیف به بار خواهد آمد (همان: ۱۰۴)؛ خصوصاً ابزارهای محقق ساخته که ارزیابی روایی و پایایی در آن‌ها بسیار مهم است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۵۵). البته مؤلف گرچه در آزمایش اول بحثی از روایی مطرح کرده‌اند (ص ۱۰۰)، آن روایی به واحد سنجش مربوط است نه سنجی که مقیاس است.

تأملی در نظریه مؤلف در تبیین «جایگاه معنا» در کتاب *ارتباط‌شناسی*

مؤلف محترم طی تحقیقات دامنه‌داری در متون روان‌شناختی به بررسی رویکرد فیزیولوژیک در حافظه و اعصاب پرداخته‌اند که مشخص کنند معنا دقیقاً در کجاست؟ ایشان به این نتیجه رسیده‌اند که «معنا احتمالاً در حوزه‌ای از مغز با نام هیپوکامپوس است نه در پیام. معنا احتمالاً چیزی است عینی به صورت ترکیبات پروتئینی در مغز» (ص ۱۸۷). ایشان دیوید برلو را نیز در این مسئله موافق خود می‌داند (ص ۱۷۸).

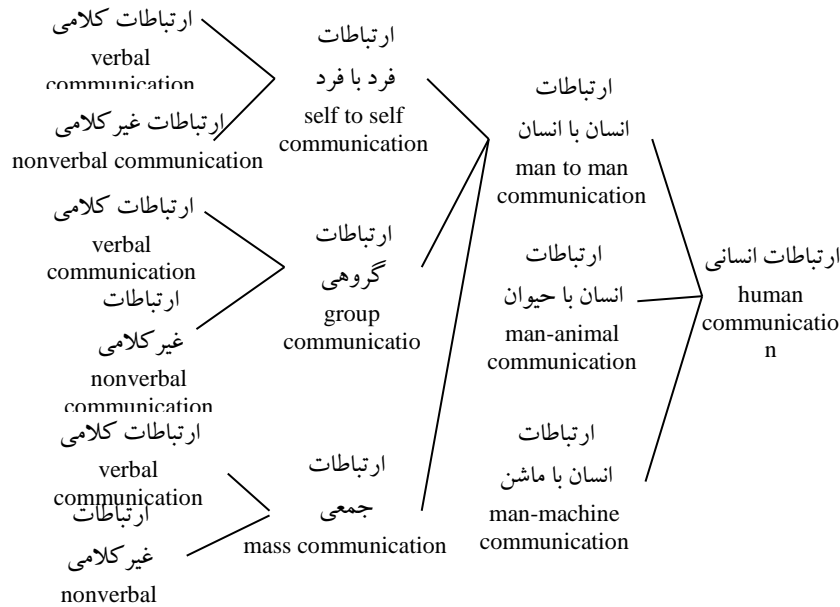
این تبیین از منظر حکمت متعالیه درست نیست؛ زیرا حکمت متعالیه معتقد است معنا در درون انسان است اما نه در مغز و حافظه او؛ بلکه معنا در بخش مجرد و غیر مادی وجود انسان است. توضیح این که: فلاسفه مشاء از ارسطو تا فارابی و ابن سینا معتقدند کلیات در نفس مجرد است اما معانی جزئی در واهمه است و صورت‌های مادی [مثل آنچه با

چشم می‌بینیم] در خیال ما قرار دارند (ابن سینا، ۱۴۰۴: ۱۶۰؛ صدرالمتهلین، ۱۹۸۱: ۱، ۲۷۷) و جای قوه خیال و واهمه (که در برخی تعابیر بوعلی، حافظه را هم شامل است) در مغز است. (فارابی، ۱۳۸۱: ۱۴۸؛ طوسی، ۱۳۷۵: ۳، ۳۴۸-۳۴۵؛ کاتبی، ۱۳۵۳: ۶۷۱) اما صدرالمتهلین برای اولین بار اثبات کرده است قوای خیالی و ذهنی از جمله حافظه همگی مجرد از ماده هستند. او همه اشکالات وارد شده بر وجود ذهنی مجرد از ماده که فلاسفه مشاء قادر به حل آن نبودند را برای اولین بار حل کرده است. (صدرالمتهلین، ۱۳۶۰: ۲۸-۲۵؛ صدرالمتهلین، ۱۹۸۱: ۱، ۲۷۷-۲۶۳؛ ۳، ۴۸۷-۴۷۵) فلاسفه پس از وی نیز بر همین باور هستند. (محقق سبزواری، ۱۳۷۹: ۵، ۷۳-۵۴؛ طباطبایی، ۱۴۲۰: ۵۲-۴۶) نگارنده در نوشتاری مستقل، ابعاد این مسئله را از منظر حکمت اسلامی، علوم ارتباطی و علوم شناختی تحلیل کرده است. (ر.ک.: همدانی، «نقد سازه معناساختی مدل ارتباطی منبع معنا»، فصلنامه حکمت صدرایی).

تحلیل انتقادی از فقدان تبیین «ارتباط با جهان غیرمادی» و «ارتباط درون‌فردی» در مدل

منبع معنا

ارتباط انسان با خود (intra-personal communication) یک مقوله اساسی است که بسیار مورد توجه مطالعات علوم ارتباطی است (استین‌برگ، ۲۰۰۷: ۱۳۹-۱۵۵؛ کیت، ۱۹۹۴: ۳-۳۳)؛ هرچند باید پذیرفت این حوزه کمبودهای بسیاری دارد و حتی بزرگان علم ارتباطات چون لیتل جون و فاس در کتاب *ارتباطات انسانی* به حوزه‌های ارتباط گروهی، سازمانی و غیره پرداخته‌اند، این مقوله را طرح نکرده‌اند (لیتل جان و فاس، ۲۰۰۸). در هر حال ارتباط با خود، بنیاد ارتباط‌های دیگر است؛ زیرا برای هر ارتباطی با غیر، انسان اول با خود دارای نوعی ارتباط است (فرهنگی، ۱۳۷۴: ۱۲). همان‌طور که مؤلف نیز به این اهمیت واقف بوده است و طبق نقل ایشان، شرام نیز معتقد است مدل او همه گونه ارتباط از ارتباط با خود، ارتباط میان‌فردی، ارتباط گروهی و ارتباط جمعی را شامل است (ص ۳۸۳). در مدل ارتباطی برن لوند نیز ارتباط درون‌فردی بیان شده است (ص ۴۳۷ تا ۴۴۰)؛ اما مؤلف در نموداری که از مدل ارتباطات انسانی ترسیم فرموده‌اند، نامی از ارتباط انسان با خود نبرده‌اند؛ زیرا اقسام اصلی ارتباط انسانی در الگوی ایشان عبارت است از ارتباطات میان‌فردی، گروهی و جمعی (ص ۳۷۱) که در نمودار ۲ ترسیم شده است.



نمودار ۲ مدل ارتباطات انسانی (محسنیان‌راد، ۱۳۹۳: ۳۷۱)



برخی استادان علم ارتباطات از عدم توجه به ارتباط درون‌فردی شکوه کرده‌اند و معتقدند کسانی که با دانش ارتباطات آشنایی ندارند، به این مقوله توجه چندانی نیز نخواهند داشت (فرهنگی، ۱۳۷۴: ۱۲). البته مؤلف ارتباط‌شناسی نه فقط ناآشنا با ارتباطات نیست، بلکه استاد این رشته است و به ارتباط درون‌فردی که یکی از مقولات ارتباطی است، توجه نیز دارد (ص ۳۶۹)؛ اما در

الگوی فوق این ارتباط را جای نداده است. همان‌طور که در مدل منبع معنا نیز تبیین کاملی از مدل خود در ارتباطات میان‌فردی، گروهی و جمعی ارائه کرده، اما به تبیین این مدل در ارتباطات درون‌فردی (ارتباط با خود) پرداخته است.

شکل ۱ ارتباط انسان با حیوان؛ تصویری از ارتباط زارعی از کوهستان‌های آلپ با اسبش

(عکس از مجله *Leute* ژوئن ۱۹۸۷) (محسنیان‌راد، ۱۳۹۳: ۵۱۷)

همچنین در الگوی انواع ارتباط که در نمودار ۲ ارائه کردند، خبری از ارتباط انسان با خدا، عالم معنا، فرشتگان مجرد، شیطان و غیره نیست. با اینکه مؤلف به ارتباطات انسان و

حیوان و بلکه ارتباط با ماشین هم اهمیت داده (که مباحثی مفید و لازم هم هست) و شکل

۱ را نمودی از ارتباط انسان و حیوان ارائه کرده‌اند و در اطراف آن بیاناتی دارند که چگونه این فرد با اشتیاق با این حیوان ارتباط برقرار کرده و یا فردی با علاقه با یک رایانه ارتباط برقرار کرده است و نیز در مقدمه چاپ ششم از ارتباط انسان با سگ به تمجیدی خاص یاد کرده‌اند. جالب است آقای پرفسور مولانا در مقدمه کوتاه خود بر این کتاب، ارتباط را دارای ریشه‌های عمیق در معنویات و نوشته‌های الهی و قرآن کریم می‌داند و از ارتباط فرد با خدا و پیغمبران در کنار انواع دیگر ارتباط سخن گفته است (ص ۱۶) و شاید این سخنان، نیهی بر فقدان این مضامین در این تألیف است.

به‌روزرسانی در نام‌ها و اصطلاحات و مباحث در کتاب ارتباط‌شناسی

مؤلف محترم وقتی نام برخی دانشکده‌های همکار را در تحقیق خود می‌برند، یادآور می‌شوند که نام برخی دانشکده‌ها تغییر کرده است و به ناچار از نام سابق استفاده می‌کنم (ص ۱۵۲)؛ اما برخی اصطلاحات و تعابیر و حتی مباحث دیگر نیز در این کتاب وجود دارد که برای مخاطب کنونی آن ناآشناست:

۱. در مقدمه چاپ چهارم کتاب نوشته‌اند: «... از علامت (-) استفاده کردم که میان کاربران اینترنت به مفهوم چشمک زدن است.» (صفحه آخر مقدمه چاپ چهارم). این علامت در اصل، علامتی است که در فضای اینترنتی کنونی به جهت رشد امکانات نرم‌افزاری وب و بالا رفتن امکانات گرافیکی، همان صورتک چشمک زن (😊) است و مخاطب کنونی کتاب با آن علامت آشنایی ندارد و بسا آن را ناشی از فقدان فونت‌های سیمبلیک در جابه‌جایی فایل بینگارد و تصور کند صورتک گرافیکی، به علت فقدان فونت به هنگام چاپ چنین شده است.

۲. در موردی نوشته‌اند: «فروشگاه‌های شهر و روستا، تعاونی فرهنگیان، سپه و قدس فروشگاه‌های دولتی هستند» (ص ۶۷)؛ اما فروشگاه‌های زنجیره‌ای قدس در اواخر دهه هفتاد برای همیشه تعطیل شد و مخاطب معاصر، فروشگاه قدس را نمی‌شناسد.

۳. در موردی از فقدان فرهنگستان زبان جهت واژه‌سازی برای اصطلاحات علمی شکوه دارند (ص ۷۰) که این کار در زمان ما در حال انجام است.

۴. در بحث «تحول وسایل ارتباطی» در بخش هفتم، از ویدئو، ماشین تحریر، تایپ و غیره در قالب وسایل تازه ارتباطی سخن گفته‌اند (ص ۵۰۹-۵۱۱) که اکنون این وسایل باید در موزه‌ها یافت شود و بهتر است ابزارهای جدید ارتباطی چون ماهواره، اینترنت و تلفن همراه معرفی شود.

هفت انتقاد محتوایی دیگر بر کتاب ارتباط‌شناسی

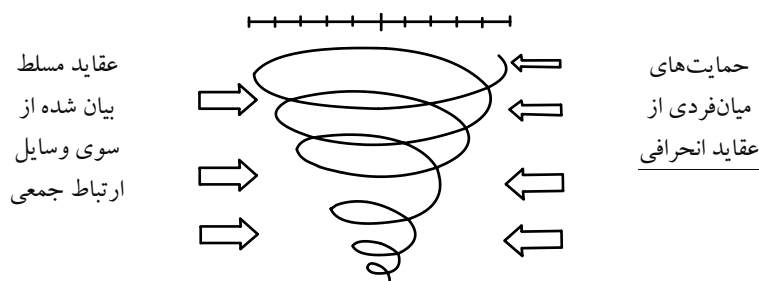
بخش پایانی این مقاله به انتقادهای محتوایی پراکنده درباره این کتاب اختصاص دارد:

۱. مؤلف محترم در بیان مدل ارسطو و شرح معنای آن، نیازمند شرح معنای «ریطوریکا» بوده و جهت تفسیر آن به فرهنگ آرین‌پور مراجعه کرده‌اند که آن را به علم بدیع، علم معانی و بیان، فصاحت و بلاغت، لفاظی، خطابیت و غیره ترجمه کرده است. البته نه آرین‌پور و نه مؤلف، هیچ‌کدام از این معانی را برای این واژه خاص ارسطویی انتخاب نکرده‌اند (ص ۳۷۶)؛ اما بهتر بود مؤلف به کتب منطقی مراجعه کنند که منبع اصلی شرح این اصطلاح علمی است و آن را یکی از صناعات خمس^۱ به طور مفصل بررسی کرده است؛ خصوصاً اینکه ایشان از چاپ لاتین این کتاب در سال ۱۸۷۷ هم اطلاع داشته‌اند (ص ۳۷۵).

در هر صورت، ریطوریکا در منطق ارسطویی عبارت است از فن علمی اقناع عموم مخاطبان به اندازه ممکن (طوسی، ۱۳۶۱: ۵۲۹؛ حلی، ۱۳۷۱: ۲۷۶). مؤلف محترم به علت عدم تبیین دقیق معنای ریطوریکا، از جمله ارسطو درباره ریطوریکا که گفته است «این علم نیست و فاقد اصول منظمی است» نتیجه گرفتند که ارسطو ارتباطات را علم نمی‌دانسته است (ص ۳۷۵ و ۳۷۶). در حالی که مقصود از عبارت ارسطو همان است که خواجه نصیر گفته است که: خطابه، هم به دانستن قواعد نیاز دارد و هم به تمرین و ممارست عملی (طوسی، ۱۳۶۱: ۵۲۹). متن کاملی از ترجمه قدیمی کتاب ریطوریکای ارسطو نیز منتشر شده و در آن ترجمه نیز ریطوریکا به همین شکل معنا شده است (ارسطو، ۱۹۷۱: ۹).

۲. تعبیر «عقاید انحرافی» در نظریه ماریچ سکوت (ص ۴۶۰) که در نمودار ۳ ارائه شده است، دارای بار معنایی انحرافی! است و پیشنهاد می‌شود به جای این تعبیر از «اقلیت» استفاده کنند که دیگر مترجمان و مؤلفان نظریه‌های ارتباطات (سورین و تانکارد، ۱۳۸۶: ۳۹۷؛ مهدی‌زاده، ۱۳۹۲: ۶۶) به کار برده‌اند. برخی هم از تعبیر «عقاید خلاف اکثریت» و یا «عقاید غیرشایع» استفاده کرده‌اند (لیتل جان، ۱۳۸۴: ۷۴۹-۷۵۰).

۱. برهان یا انولوطیقا، طوبیقا یا جدل، سوفسطیقا یا مغالطه، ریطوریکا یا فن خطابه، بوطیقا یا فن شعر.



تعداد افرادی که به طور باز، عقاید انحرافی خود را بیان نمی‌کنند و یا تغییر از انحراف به عقاید مسلط دارند.

نمودار ۳ مدل مارییچ سکوت با ترجمه مؤلف (محسنیان‌راد، ۱۳۹۳: ۴۶۰)

۳. مؤلف در اول کتاب تعریفی از ارتباط ارائه کرده‌اند که در بازتعریف آن برای ارتباط جمعی معتقدند اگر در همان تعریف ارتباط به جای گیرنده، تعبیر گیرندگان به کار بریم، تعریف ارتباط جمعی درست خواهد بود (ص ۶۶). طبق این بیان، مقصود از گیرنده در تعریف ارتباط، فرد واحد است و در این صورت، سؤال این است که این تعریف چگونه در قالب تعریف ارتباط که یک امر مطلق است، قرار گرفته است؟ مؤلف خود هم معتقد است تعریفی که ارائه کرده یک تعریف از مطلق ارتباط است نه ارتباط میان‌فردی؛ زیرا ایشان نوشته‌اند با یافتن این تعریف جامع از ارتباط، تعریف ارتباط میان‌فردی و گروهی و جمعی آسان است (ص ۶۲)؛ همچنین این اشکال هم وارد است که اگر آن تعریف اول کتاب یک تعریف مطلق نیست، چرا در ارتباط گروهی و ارتباط میان‌فردی تعریف ارتباط را بازتعریف نکرده‌اند؟ به نظر می‌رسد مؤلف نباید این تعریف را تغییر دهد و پیشنهاد این است که آن تعریف، تعریفی از مطلق ارتباط است و گیرنده و فرستنده در آن اسم جنس است و شامل مصادیق متعدد هم می‌شود؛ مانند انسان که زن و مرد و واحد و متعدد را شامل است؛ بنابراین، تعریف ارتباط جمعی هم همان است؛ با این تفاوت که در ارتباط جمعی، مصداق گیرنده، انبوه است و این غیر از این است که تعریف (که از سنخ مفهوم است) را تغییر دهیم.

۴. مؤلف در بخش ششم، مدل‌های متعددی را از فراگرد ارتباط ارائه کرده‌اند، اما در اغلب موارد این مدل‌ها را نقد نکرده‌اند. سورین و تانکارد (۱۳۸۶: ۶۶-۶۷) چند الگو و محور برای ارزیابی عام یک مدل ارائه داده‌اند. پیشنهاد می‌شود مؤلف نیز بر اساس یک

سیر تکاملی، مدل‌های ارائه شده در کتاب خود را در یک صفحه نقد کنند؛ یعنی اول آنکه معلوم کنند هر کدام چه عنصری را در مدل قبلی اصلاح کرده‌اند و چه ضعفی دارند و در مرحله دوم، در تناظر با مدل منبع معنا آن را ارزیابی کنند که ارزش کار مؤلف هم بهتر معلوم شود.

۵. مؤلف، مدل لاسول را «مدل گونه» نامیدند (ص ۳۷۶)، اما نگفته‌اند چرا «مدل گونه» است نه مدل. همچنین هم مدل ارسطو را «پیش‌مدل» نامیدند (ص ۴۷۵) اما چرایی آن و فرق «مدل گونه» و «پیش‌مدل» با تعبیر «مدل» را توضیح نداده‌اند.

۶. مدل‌ها گونه‌های مختلف دارند. مک کوایل و وین دال مدل‌ها را به ساختاری (structural) و کارکردی (functional) تقسیم می‌کنند (شومیکر، تانکارد و لاسورسا، ۱۳۹۰: ۱۴۰). استاد توسلی مدل‌ها را به مادی و صوری تقسیم و مدل‌های مادی را در دو دسته مکانیک و ارگانیک طبقه‌بندی می‌کند و کامل‌ترین شکل از مدل صوری را مدل ریاضی می‌داند (توسلی، ۱۳۸۸: ۱۲-۱۳). بهتر است مؤلف در مقدمه‌ای که در شرح معنای مدل نوشته‌اند (ص ۳۱۵-۳۱۷)، این مسئله را هم توضیح دهند و نوع مدل خود را از بین این اقسام مشخص کنند.

۷. سخن آخر، نقدی بر سخن آغازین مؤلف محترم است که گرچه به ظاهر ارتباط دقیق با متن کتاب ندارد، اما اگر دقیق شویم، ارتباط وثیق آن روشن خواهد شد. ایشان در مقدمه چاپ اول سخنی دارند که: «حالا وقتی در این سوی ارتباط می‌خواهم از خودم با شما حرف بزنم، نمی‌دانم چرا هیچ دلیلی نمی‌بینم که خودم را نگارنده، راقم این سطور، مؤلف، حقیر، این جانب و غیره بنامم. می‌خواهم در این کتاب، به جای این اصطلاحات از واژه «من» استفاده کنم؛ زیرا همیشه با این سؤال مواجه بودم که چرا یک نویسنده غربی باید بتواند به راحتی در کتابش بنویسد «I think»، یا «I believe» و به راحتی از ضمیر «من» استفاده کند، اما ما ایرانی‌ها بنویسیم، به نظر این حقیر، یا نگارنده معتقد است، یا نظر مؤلف بر آن است و غیره؛ پس استفاده از ضمیر «من» فقط به همین معناست. نه در آن خودستایی است و نه منم گفتن» (ص ۱۰). آری، خودستایی از مؤلف بزرگوار دور است؛ اما این رویکرد ایشان در نكوهش فرهنگ ایرانیان و ستایش رویه غربیان در این زمینه درست نیست؛ نه چون آنان غربی هستند و نباید ستایش شوند و ما ایرانی هستیم و نباید نكوهش شویم؛ بلکه به این دلیل که به احتمال زیاد، ره‌یافت غربیان ناشی از اصرار فرهنگ آنان بر موجودیت مادی بشر منهای عوالم ماورای مادی است، اما در فرهنگ اسلامی، استفاده از

«من» ناستوده است و پژوهشگران و استادان ایرانی هم دانسته یا نادانسته از این فرهنگ متأثر هستند. ناستوده بودن استفاده از «من» (گرچه مقصود، من من گفتن نباشد)، نه یک تعبیر بی‌مبنا و مزاحم ارتباط بلکه یک الگوی ارتباطی مستند به نگرشی فوق‌العاده متعالی در انسان‌شناسی اسلامی است که از عمیق‌ترین ارتباط درون‌فردی انسان مسلمان در قالب اصل همه ارتباط‌های اجتماعی او ناشی است. در تبیین این مبنا، اجمالاً به روایتی از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) اشاره می‌کنم که: جابر می‌گوید روزی در خانه پیامبر خدا را زدم. پرسیدند کیستی؟ عرض کردم: منم. آن حضرت با حالتی که گویا این تعبیر را خوش نداشتند، فرمودند: من! من! (بخاری، ۱۴۲۲: ۵۵؛ نسائی، ۱۴۲۱: ۱۳۱).^۱ چند بیت بسیار ژرف از عارف بزرگوار شبستری را نیز که شرح این روایت است، زینت پایانی این مقاله قرار می‌دهم و مؤلف دانشمند را، که خود اهل شعر و ادب هم هستند و بارها در کتاب حاضر به متون ادبی از کهن و نو استشهاد کرده‌اند، به این دیوان و شرح «راز دل» بر آن که از علامه طباطبایی (رحمه‌الله) اقتباس شده است، ارجاع می‌دهم:

دگر کردی سوال از من که «من چیست»؟
 مرا از «من» خبر کن تا که «من» کیست مرا
 از «من» خبر کن که: «من چیست»؟
 چه هست مطلق آید در اشارت
 به لفظ «من» کنند از وی عبارت
 حقیقت کز تعین شد معین
 تو او را در عبارت گفته‌ای «من»
 من و تو عارض ذات وجودیم
 مشبک‌های مشکات وجودیم
 همه یک نور دان اشباح و ارواح
 تو گویی لفظ «من» در هر عبارت
 گه از آینه پیدا گه ز مصباح
 به سوی روح می‌باشد اشارت؟!
 «من» تو برتر از جان و تن آمد
 که این هر دو ز اجزاء «من» آمد
 (شبستری، ۱۳۸۲: ۵۵-۵۶)

نتیجه‌گیری

کتاب ارتباط‌شناسی تألیف جناب آقای دکتر محسنیان‌راد، مشتمل بر برخی تحلیل‌های نو و تحقیق‌های کاربردی است؛ اما همان‌طور که در این مقاله روشن شد، برخی نقایص صورتی،

۱. عن مُحَمَّدِ بْنِ الْمُكَدِّرِ قَالَ: سَمِعْتُ جَابِرًا، يُحَدِّثُ أَنَّهُ ذَهَبَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِي دِينِ أَبِيهِ، فَدَفَعْتُ الْبَابَ فَقَالَ: «مَنْ هَذَا؟» قُلْتُ: أَنَا، فَقَالَ: أَنَا أَنَا «كَأَنَّهُ كَرِهَ ذَلِكَ».

ساختاری و محتوایی در آن وجود دارد که لازم است نوعی بازنگری اساسی در متن این کتاب در این زمینه صورت گیرد. محورهای این بازنگری عبارت است از:

۱. بازنگری صورتی. در این بازنگری ویرایش ادبی، املائی و رسم الخط کتاب و تدوین برخی فهرست‌های نو چون فهرست جداول، نمودارها و تصاویر لازم است.
۲. بازنگری ساختاری. در این بازنگری لازم است چیدمان بخش‌ها در ارتباط با محتوا و نیز چیدمان برخی موضوعات و همچنین برخی عناوین اصلاح شود.
۳. بازنگری محتوایی. در این بازنگری لازم است مبانی روشی آزمایش‌های انجام شده تکمیل شود. به نظر می‌رسد برخی از این مبانی در اختیار مؤلف است و تنها درج اطلاعات لازم در این زمینه کافی خواهد بود؛ اما برخی مبانی نیاز به تأمل بیشتر دارد. همچنین اطلاق آزمایش بر این تحقیقات نیز درست به نظر نمی‌رسد و این تحقیقات پیمایشی است. بازبینی در تعریف ارتباط، اصلاح سازه معناساختی (که در نوشتار دیگر توصیه شده است) و نیز برخی به‌روزرسانی‌ها و همچنین توسعه دادن دسته‌بندی ارتباطات و تعمیم آن به انواع ارتباط با موجودات غیرمادی و نیز ارتباط درون‌فردی و همچنین تبیین ارتباط با خود در مدل ارتباطی منبع معنا و بالاخره دسته‌بندی منطقی نظریات ارتباطی ارائه شده و نقد و بررسی آن‌ها از مهم‌ترین انتقادات و نیز پیشنهاد‌های اصلاحی این تحقیق در نقد محتوایی کتاب است.

منابع فارسی

- آرامبراستر، بی. بی. و تی. اچ. آندرسون (۱۳۷۲). «تحلیل کتاب درسی»، ترجمه: هاشم فردانش، تعلیم و تربیت، شماره ۳۳، ۷۹-۹۲.
- آرمند، محمد (۱۳۸۴). «ملاحظات در نگارش متون درسی»، سخن سمت، بهار ۱۳۸۴، شماره ۱۴، ۴۵-۵۵.
- آلستون، ویلیام پی (۱۳۸۶). *فلسفه زبان*، ترجمه احمد ایرانمنش و احمد رضا جلیلی، چاپ اول، تهران: دفتر نشر سهروردی.
- احمدی گیوی، حسن، اسماعیل حاکمی، یدالله شکری و سید محمود طباطبایی (۱۳۸۷). *اردکانیف زبان و نگارش فارسی*، چاپ بیست و هفتم، تهران: سمت.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۸). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: سمت، چاپ پانزدهم.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۶). *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران: سمت.
- خوانساری، محمد (۱۳۷۶). *منطق صورتی*، چاپ بیستم، تهران: آگاه.
- دلاور، علی (۱۳۹۲ الف). *احتمالات و آمار کاربردی در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، چاپ دوازدهم، تهران: رشد.
- دلاور، علی (۱۳۹۲ ب). *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*، چاپ دوازدهم، تهران: رشد.

- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۲). *راهنمای ویراستاری و درست‌نویسی*، چاپ سوم، تهران: علم.
- رضی، احمد (۱۳۸۷). «شاخص‌های ارزیابی و نقد کتاب‌های درسی دانشگاهی»، کتاب *درسی‌دانشگاهی* (مجموعه مقالات همایش بین‌المللی کتاب درسی دانشگاهی) جلد اول، تهران: سمت.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۷). *کند و کاوها و پنداشته‌ها*، چاپ هفدهم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۷). *نشانه‌شناسی کاربردی*، چاپ اول، تهران: علم.
- سورین، ورنر و جیمز تانکارد (۱۳۸۶). *نظریه‌های ارتباطات*، ترجمه دکتر علیرضا دهقان، چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران.
- شبستری، محمود (۱۳۸۲). *گلشن راز*، چاپ اول، تهران.
- شعار، جعفر (۱۳۹۲). *فرهنگ املائی و دستور خط فارسی (بر پایه مصوبات فرهنگستان زبان و ادب فارسی)*، چاپ اول، تهران: سخن.
- شومیکر، پاملاجی، ویلیام تانکارد و دومینیک ال لاسورسا (۱۳۹۰). ترجمه محمد عبداللهی، چاپ دوم، تهران: جامعه‌شناسان.
- شیخ‌زاده، مصطفی (۱۳۸۷). «ساختار کتاب درسی دانشگاهی بر اساس دیدگاه سازنده‌گرایی»، کتاب *درسی‌دانشگاهی* (مجموعه مقالات همایش بین‌المللی کتاب درسی دانشگاهی)، جلد ۱، چاپ دوم، تهران: سمت.
- فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۸۹). *دستور خط فارسی مصوب*، چاپ نهم، تهران: فرهنگستان.
- فرهنگی، علی‌اکبر (۱۳۷۴). *ارتباطات انسانی*، چاپ شانزدهم، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- قاضی‌زاده، علی‌اکبر (۱۳۸۱). *میزگرد «مسائل و کاستی‌های کتب تألیفی در حوزه علوم ارتباطی»*، کتاب ماه علوم اجتماعی، اسفند ۱۳۸۱ و فروردین ۱۳۸۲. شماره ۶۵ و ۶۶، ۴-۱۴.
- کاوایانی، محمد (۱۳۸۸). *روان‌شناسی و تبلیغات (با تأکید بر تبلیغ دینی)*، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- لیتل، جان استیفن (۱۳۸۴). *نظریه‌های ارتباطات*، ترجمه مرتضی نوربخش و اکبر میرحسینی، چاپ اول، تهران: جنگل.
- محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۸۱). *میزگرد «مسائل و کاستی‌های کتب تألیفی در حوزه علوم ارتباطی»*، کتاب ماه علوم اجتماعی، اسفند ۱۳۸۱ و فروردین ۱۳۸۲، شماره ۶۵ و ۶۶، ۴-۱۴.
- محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۹۳). *ارتباط‌شناسی*، چاپ چهاردهم، تهران: سروش.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی*، چاپ دوم، تهران: جامعه‌شناسان.
- معمدنژاد، کاظم (۱۳۹۳). *مقدمه کتاب ارتباط‌شناسی*، چاپ چهاردهم، تهران: سروش.
- ملکی، حسن (۱۳۸۴). «نظریه‌ها و تجربه‌ها: شیوه طراحی و تألیف کتاب درسی (بخش پیکره و متن)»، سخن سمت، تابستان ۱۳۸۴، شماره ۱۵، ۷-۲۴.
- منصوریان، یزدان (۱۳۹۲). «صد ویژگی کتاب‌های دانشگاهی کارآمد و اثربخش»، *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی*، شماره ۲۹، ۱-۱۷.
- مهدی‌زاده، سید محمد (۱۳۹۲). *نظریه‌های رسانه: اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی*، چاپ سوم،

تهران: همشهری.

واس، دی.ای.دی (۱۳۸۹). *بیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نایی، چاپ دوازدهم، تهران: نی.

ویمر، راجر دی. و دومینیک جوزف آر. (۱۳۸۴). *تحقیق در رسانه‌های جمعی*، ترجمه کاووس امامی، چاپ سوم، تهران: سروش.

منابع عربی

ابن سینا، حسین بن عبد الله، (۱۴۰۴). *التعلیقات*، بیروت: مكتبة الاعلام الاسلامی.

ابوالفرج اصفهانی (۱۴۱۵). *الأغانی*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

ارسطو (۱۹۷۱). *الخطابة (ترجمه ریطوریتقا)*، تحقیق: عبدالرحمن بدوی، بیروت: دارالقلم.

بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲). *صحیح البخاری*، چاپ اول، دار طوق النجاة.

حلی، یوسف بن مطهر (۱۳۷۱). *الجواهر النضید*، چاپ پنجم، قم: بیدار.

صدرالمتألهین، محمد بن ابراهیم (۱۹۸۱). *الحکمة المتعالیة*، بیروت: دار احیاء التراث.

صدرالمتألهین، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۰). *الشواهد الربوبیة*، مشهد: مرکز نشر دانشگاهی.

طباطبایی، محمد حسین، (۱۴۲۰). *نهاية الحكمة*، قم، انتشارات اسلامی.

طوسی، خواجه نصیر الدین، (۱۳۷۵). *شرح الاشارات*، قم، نشر البلاغة.

طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۶۱). *أساس الاقتباس*، چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران.

فارابی ابونصر، (۱۳۸۱). *فصوص الحکمة و شرحه*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

فارابی، ابونصر (۱۴۰۴). *الالفاظ المستعملة فی المنطق*، ج دوم، تهران: الزهراء.

کاتبی نجم الدین علی، (۱۳۵۳). *حکمة العین و شرحه*، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.

کحالة، عمر بن رضا (بی تا). *معجم المؤلفین*، بیروت: بی تا، دار احیاء التراث العربی.

محقق سبزواری، حاج ملاهادی (۱۳۶۹-۱۳۷۹). *شرح المنظومة*، تهران: نشر ناب.

مظفر، محمدرضا (۱۳۸۸). *المنطق*، چاپ سوم، نجف اشرف: النعمان.

نسائی، أحمد بن شعيب (۱۴۲۱). *السنن الكبرى*، بیروت: مؤسسة الرسالة.